

مدارس عمومی در آنازونی

بقلم خانم فلرانس بیلینگر

خانم فلرانس بیلینگر (۱) یکی از دانشمندان امریکا هستند که بزم سیاحت و مطالعه اوضاع مملکت ما چندی قبل بطهران آمده بودند چون مقاله ذیل که راجع بطرز تعلیمات عمومی امریکا است و بقلم ایشان نگارش یافته حاوی اطلاعات سودمند است آقای میرزا احمدخان اردشیر معلم انگلیسی دارالفنون آنرا ترجمه نمودند و ما بدرجش مبادرت کردیم تعلیم و تربیت

— در آنازونی هرگاه هیئت جامعه تعلیم و تربیتی را بخواهیم در خیال تجسم دهیم میتوانیم مدارس عمومی یا مجانیرا ستون فقرات آن بیکر پنداشته و مدارس مختلفه را که عبارت از کودکستانها، مدارس تهیه، مدارس ابتدائی، مدارس عالی یا متوسطه، جامعه ها، دارالمعلمین و دارالفنونها میباشند فقرات ستون مزبور به تصویر نمائیم ولی باوجودیکه این مدارس عمومی از راه مالیات اداره میشوند معهنذا چون بستگی و ارتباطی بیک مرکز ثقل مشترکی ندارند واقعا نمیتوان آنها را مدارس دولتی نامید و همان معنی را از آن کلمه استنباط نمود که در اروپا و آسیا از استماع آن درک میشود. علت عدم ارتباط آنها هم بیک مرکز واحدی است که در واشنگتن یعنی پایتخت ممالک وزارت معارفی چنانکه در سوادهای اعظم سایر ممالک معمول است وجود ندارد و لهنها بیک از ایالات چهل و هشت گانه یک اداره معارف مخصوصی دارد که میزان تعلیم و تربیت حدود قلمرو خود را تعیین و مدت دوره تحصیلات را بطور کلی معین و فهرست کتب تحصیلی را اعلام و خصائص و صفات معلمین درجات مختلفه تحصیلات را مشخص مینماید و مثلا هر معلمی را که قصد دارد بتدریس در مدارس تهیه و ابتدائی اشتغال ورزد موظف میسازد که دوره تحصیلات دارالمعلمین را بپایان رساند و هر آموزگاری را که میخواهد در مدارس عالی یا متوسطه تعلیم محصلین بپردازد مجبور میکند که

دوره جامعه را تحصیل کند و قس علیهذا . هر شخصی که بخواهد بشغل تدریس اشتغال یابد باید يك مرتبه بالاتر از آن دوره را که باموختن آن میپردازد کاملا بداند . از طرف دیگر اداره معارف مزبور نمیتواند بمدارس حکم کند که باید در فلان دوره تحصیلات فلان کتب مخصوص تدریس شود و علاوه براین بهیچوجه نمیتواند برای مدارس مختلفه معلم معین نماید . گذشته از دارالفنونها و جامعه های دولتی و دارالمعلمین ها که مخارج آنها را دولت عهده دار است و برای تربیت محصلین نواحی وسیعه تاسیس گردیده است هر شهر و بلده و قریه و قصبه از ممر مالیات محلی مدارس برای خود بنا نمود و دوره های مختلفه تحصیلاتی را که برای ابناء خویش لازم میدانند معین نموده و معلمین و میزان حقوق آنها را نیز تعیین میکنند در اینصورت مثلا هرگاه اهالی شهری بخواهند دارای مدرسه خوبی یا جامعه باشند ناچار بایستی بیشتر فداکاری نموده و مخارج آنرا چنانکه باید و شاید از جیب خود تادیه و کار سازی نمایند . ضمنا هم دولت بکلی کناره گیری نکرده و مساعدتهائی مینماید بدین طریق که هر مدرسه بیشتر محصل دارد بیش از سایر مدارس هم رتبه خود مورد تفقد واقع میگردد - این ترتیب لا مرکزیت فوائد و مضاری دارد که بایستی تشریح شود . چون مسئولیت خوبی و بدی مدارس بمعده اهالی محل است ناگزیر چنانکه طبیعت بشری اقتضا میکند يك حس رقابت ممدوحی بین اهالی بلاد مجاور تولید میگردد و در نتیجه اهالی هر نقطه اهتمام میکنند که از حیث ابنیه مدارس و میزان تحصیلات و بطور کلی مؤسسات تربیتی از همسایگان خود پیش افتاده گوی سبقت را بریابند و بناء علیهذا کلیه افراد هر محل شخصا خویش را ذی نفع شمرده و چون سود مشترکی دارند بمساعدت و معاضدت یکدیگر قیام نموده از بذل هرگونه فداکاری مادی و معنوی دریغ نمیکنند . معلمین نیز چون

اوضاع را چنان مینگرند شخصاً علاقه مند گشته و بواسطه آنکه مورد هر نوع احترام و تعظیم و تکریم اهالی واقع هستند در خدمت بابناء محل جدو جهد وافى بعمل آورده و بهمین سبب اغلب اتفاق میافتد که معلمین نقطهٔ بالمال در همانجا متوطن میشوند. از طرف دیگر این ترتیب لامرکزیت ضرری هم دارد و آن اینست که گاهی میشود که اهالی محلی اصلا بى بضاعت بوده و باوجود هر قدر حسن نیت و اشتیاقى نسبت بترقى و تعالی معارف خود در نتیجه تنگدستى از عهده رقابت باهمجواران برنمایند. آنوقت در این مورد است که دولت پای بمیان نهاده و بوسیله مقداری مساعدت مادی دست آن از پای افتاده را گرفته بلند میکند.

این ترتیب لامرکزیت موجد ایجاد فکر و تدبیری بس مستحسن گردیده و آن عبارت از این است که در بارهٔ بلاد یا نواحی وسیعه که سکنه آن بواسطه قلت نفوس متراکما بایکدیگر قرب جوار ندارند و بالطبع مدارس خوبی نداشته و عده محصلین مدارس نیز بغایت قلیل است يك مدرسه مرکزی بنا کرده و بواسطه تسهیل وسائل نقلیه اولاد خود را بدانجا گسیل داشته و مشترکاً در بهبودی اوضاع آن مؤسسه همت میگذارند. نگارنده بخوبی اطلاع دارد در یکی از نواحی اتازونی که چنانکه مذکور افتاد و سیع و قلیل النفوس بود پنج باب مدرسه وجود داشت که عمارات آنها چندان مورد توجه و تمجید نبوده و وسائل تحصیل نیز بحد کفایت در هیچکدام موجود نبود و گذشته از این هیچ يك آنها بیش ازسی نفر محصل نداشت. جاده ها نیز خراب و چون آن سامان کوهستانی بود عبور از نقطه بنقطه دیگر زحمت افزا و موجب بطوء ایاب و نهاب بود. تناقبت اهالی چون اوضاع معارفی خویش را ناهنجار ملاحظه کردند گرد هم جمع شده و پس از استقصاء و غوررسی کامل چنین اندیشیدند که يك باب مدرسه مرکزی تاسیس نموده و

طرق و شوارع را برای آمدوشد فرزندان خود هموار نمایند سپس همت در اجراء نیت گماشته و قرار دادند کلیه محصلین را هر روز صبح در ساعت معینی در دوسه نقطه جمع نموده و بوسیله آلت نقایه مخصوصی که تدارک کرده بودند بدار التحصیل اعزام دارند لهذا از آن زمان تا کنون مدرسه بغایت خوبی دارند که از حیث بنا و لوازم کار و معلم از هیچ نقطه عقب نیست. در نتیجه این اقدام چون آن محل طرق و شوارع نیکوئی پیدا کرده است آن عده از اهالی که در کوهستانها مسکن داشتند بتدریج از آن نقاط دوری گرفته در دشت متوطن شده اند

— ترتیب لامرکزیت برای تحصیلات ابتدائی و متوسطه کاملاً نافع و سودمند واقع گردیده ولی برای تحصیلات عالیه مشکلاتی چند تولید نموده و علت نیز آنست که چون در حقیقت اتازونی هنوز کشور جوانی میباشد و تعداد جمعیت پاره ایالات بغایت قلیل و منابع ثروت طبیعی آن کشف نکرده است بنا بر این اهالی آن نقاط بیشتر هم خود را مصروف ضروریات و لوازم آبی خویش نموده و چندان وقعی بتعلیم و تربیت نگذاشته و بدین سبب ادارات معارف ایالات مزبور به پایه تحصیلات معلمین و متخصصین در حقوق و اطباء و غیره را پائین تر از میزان ایالات قدیمی قرار میدهند و در نتیجه محصلین این ایالات برای فراغت از جامعه یا دارالفنون سه الی چهار سال کمتر از اقران خود زحمت میکشند. مثلاً در ایالاتی که دارای چنین منقصتی نیستند يك نفر محصلی که بخواهد دوره طب را تحصیل نماید بایستی بالضرورة مرتباً دوره های تهیه، ابتدائی، متوسطه، و عالی را بانتمام رسانده چهار سال هم بتحصیل طب اشتغال یافته و بعد یکی یا دو سال نیز در یکی از بیمارستانهای معظم بعملیات پردازد تا بتواند اجازه طبابت بدست آورد. بناء علیهذا لازم میافتد که از سن شش سالگی مشغول تحصیل گردیده و وقتی که بیست و هشتمین

سال عمر خویش را بیسایان می‌رساند با موافقت تامه باجرا نیت خود پیردازد ولی در سایر ایالات ترتیب بدین قرار نیست و محصل شاید فقط دو سال در جامعه و سه سال در رشته طب کار کرده و در مریضخانه هم عملاً زحمت نمی‌شد و بطور اختصار آنکه در عوض بیست و دو سال تحصیل فقط بهفده سال قناعت می‌ورزد. در اینمورد است که اشکال و محظوریکه قبلاً بان اشاره گردید احساس میشود زیرا ایالتی که فرزندان خوبستن را مدت بیست و دو سال بتحصیل وا دار نموده است تا مثلاً طبیعی حاذق تربیت کرده بهیچوجه من الوجوه مایل و راغب نیست طیب دیگری را که فقط هفده سال زحمت کشیده و مسلماً از حیث علم و عمل عقب تراست در محل خود اجازه طبابت دهد. اما در فرانسه و آلمان چون ترتیب لا مرکبیت وجود ندارد این محظور نیز بالطبع صورت خارجی پیدا نمی‌کند مثلاً محصلی که در یک نقطه کشور تخصص در طب حاصل کرده در سر تا سر مملکت حق طبابت دارد

- ملت امریکا هم بدین تقیصه پی برده و در صدد علاج برآمده ولی باز دولت را دخالت نداده است زیرا حس آزادی خواهی و استقلال دوستی از خصائص ملت مشار الیها بوده و البته نظارت دولت در چنین امری مخالف روح مزبور بشمار می‌آید. در اینصورت ایالات دارای این منقصت چاره را در این دیده اند که بطیب خاطر با یکدیگر مشاعرت و معاضدت نمایند و لهذا غالب جوامع معظمه و دارالفنونها مجمعی تشکیل داده و میزان تحصیلات را با توافق نظر یکدیگر معین نموده اند و بنا بر این محصلین جوامع و دارالفنونهای عضو مجمع آزادانه میتوانند بدون دادن امتحان از یک جامعه بجامعه دیگری رفته و در همان رتبه بخصوص خود مشغول تحصیل گردند فارغ التحصیلها هم میتوانند در رشته های تحصیلات خویش در هر یک از ایالات عضو مجمع مشغول کار شوند. معذالک کله

هنوز مقیاس تحصیلات دارالفنونها بیک درجه نیست و هر وقت یک نفر امریکائی محصلی را می بیند فوراً سؤال میکند ! در کدام جامعه تحصیل میکنید؟ علی ای حال کار نقشه نسای میزان تحصیل جوامع و دارالفنونها پیوسته موفقیت می یابد .

— حالا بيمورد نیست کلمات جامعه (۱) و دارالفنونها (۲) توضیح داده شود:

— این دو کلمه در اتازونی بقسمی تفوه و استعمال میشود که خارجانی که بان کشور می آیند بکلی آنها را با یکدیگر خلط مینمایند . جامعه اتازونی را میتوان به لیسه فرانسه یا گیمناز آلمان مطابقه نمود در صورتیکه ابدأ بارتب دارالفنونی ممانک مزبوره نمیتوان تطابق داد . از طرف دیگر دیلم دارالفنونهای اروپا بارتبه دکتری امریکا در فنون مختلفه از قبیل دکتری در فلسفه ، دکتری در ادبیات ، دکتری در علوم ، و غیره مساوی میباشد .

— گذشته از این طرز تأسیس اختلاف دارد مثلا عمارات (لیسه) و (گیمناز) و ابنیه رشته های مخصوص از عمارت دارالفنون جدا میباشد در صورتیکه جامعه و دارالفنون در اتازونی در یک عمارت واقع شده و استادان (۳) هر دو هم همان اشخاص هستند . بسیاری جوامع نیز دارای دوره های دارالفنونی نیستند و پاره دیگر هم چنانکه در فوق مذکور افتاد رتبه دارالفنونی بمحصلین عطا میکنند در صورتیکه واقعاً حق ندارند . بنا بر این اغلب در اتازونی اتفاق می افتد که محصلی با نهایت سادگی و صداقت خویش را فارغ التحصیل فلان دارالفنون مینامد و حقیقتاً هم خود را کاملاً راستگو میداند و حال آنکه در باطن امر فقط دوره جامعه

(۱) Collego

(۲) University

(۳) مقصود پروفیسر است

را باختتام رسانده است. مسلماً اتباع خارجه پی باین نکات نبرده و دچار اشتباه میکردند

— البته در مدارس عمومی محصلین و محصلات مشترکاً بتحصیل اشتغال دارند ولی در برخی بلاد معظمه ذکور و اناث از یکدیگر جدا هستند اما این اقدام از نقطه نظر عدم رغبت اهالی بتحصیل اجتماعی نبوده و تنها بسبب سهولت اداره کردن امور مدارس میباشد.

غالب اطفال از سن شش سالگی شروع بتحصیل نموده و در سن هیجده یا بیست سالگی دست از کار کشیده بمشاغل زندگانی اشتغال میجویند.

— تا قریب بیست سال قبل در مدارس مسائل مذهبی نیز تدریس میشد و هر بامداد هنگام افتتاح مدرسه چند آیه از اَجیل قِرائت و بعد دعائی خوانده شده و پس از آن سرودی سرائیده میگشت و سپس درس شروع میگردد ولی چون بتدریج عدّه مردمان جدید الورد باتازونی افزوده شد و در تأدیه خراج با سایرین تفاوتی نداشتند و ضمناً دارای ادیان مختلفه بودند لهذا عدالت و نصفت اقتضا نمیکرد اطفال آنها همه روزه اجباراً بمعتقدات عیسویت گوش دهند و چون دیده شد که تدریس جمیع کیش‌ها هم در مدرسه خارج از حدود امکانست لهذا از تدریس اصول مذهبی بکلی صرف نظر شد. باری از آنزمان تا کنون انتقاداتی در اطراف این قضیه کرده میشود. ایراد معتقدین باین امر نیز آنست که کلیه محصلین مدارس عمومی پس از فراغت از دوره تحصیلات خود بدون آنکه پای بند بمذهبی باشند از مدرسه خارج میگردند بنا بر این محتمل است راه حلی که حد وسط نظریات موافقین و مخالفین تدریس اصول کیشی در مدارس باشد کشف گردیده و تدبیری اندیشیده شود که مرضی الطرفین واقع گردد.

مدارس عمومی اتازونی بالطبع از طرف افراد ملت مورد انتقاد

واقع گشته و از جانب برخی دیگر شدیداً مدافعه میشود. منقدین را عقید بر آنست که تعداد مطالب تدریسی زیاد بوده و محصل از هر خرمنی فقط خوشهٔ چیده و هیچ رشته را با تمام نرسانیده و در کلیه مدارس و خاصه در جوامع بیش از آنچه لازم است وقت محصل صرف ورزش بدنی میشود. باید اقرار و اذعان هم نمود که تا حدی انتقادات مزبوره مقرون بصحت است زیرا فارغ التحصیل جامعه آنازونی از حیث تحصیل بیایه فارغ التحصیل (لیسه) فرانسه یا (گیمناز) آلمان نمیرسد ولی از طرف دیگر قوهٔ فکری و ابتکار و اعتماد و اتکاء بنفس فارغ التحصیل آنازونی از هم رتبه اروپائی خود بیشتر بوده و علاوه بر این رتبه دکتری يك دارالفنون خوب آنازونی کاملاً معادل با همان رتبه دارالفنون اروپائی میباشد.

دایره مدارس عمومی پیوسته در آنازونی بسط و توسعه مییابد و حالیه تقریباً در تمام شهرها برای اشخاصی که روز کار دارند و گرفتار امور شخصی خود هستند مدارس شبانه دایر میباشد و مخصوصاً مدارس عصرانه که اختصاص بتدریس مطالب حرفتی و صنعتی داشته و مخزرج آنها را تجارتخانههای عمده عهده دار هستند زیاد و متعدد میباشد - باضافه فکر دیگری نیز ایجاد کرده و آن این است که ابنیه و عمارات مدرسه در مواقع تعطیل تابستون نیاستی بیفایده بماند و لهذا در ساعات معینی ابواب حیاط مدارس مزبور گشوده شده و اطفال سکنه مجاور برای ورزش و تفریح بدانجا رفته و تحت نظر معلمین مدتی توقف مینمایند. اطاقهای کلاس ها هم بیکار نمانده و مادران اطفال برای تحصیل زبان و طبخ و خیاطی در آنجا حضور بهم میرسانند. بناء علیهذا دیری نخواهد گذشت که مدارس در مواقع تعطیل هم مانند زمان تحصیل دائماً شب و روز مورد استفاده واقع خواهد شد ولی مسلماً معلمین مواقع تعطیل غیر از معلمین دائمی خواهند بود.

اظهارات فوق فقط راجع بمدارس عمومی یا مجانی میباشد و

باید بخاطر آورد که چرن ایالات چهل و هشت گانه منفرداً قوانین و عادات مخصوصی دارند لهذا قسمت اعظم مطالب فوق الذکر مربوط به جمیع ایالات نبوده و باره در موضوع کلیه ایالات و تمام آن در موضوع بعضی صدق مینماید .

- قارئین کرام از ملاحظه بیانات فوق نباید تصور کنند که مدارس امریکا تنها عبارت از مدارس عمومی میباشد . خیر چنین نیست تعداد مدارس خصوصی که هر نوع تحصیلات در آنها میشود از حد افزونست . از ممر مالیات هم بهیچوجه مساعدتی بانها نمیشود و اعم از آنکه محصلین شهریه زیاد یا کم داده و یا ابداً چیزی نپردازند مؤسسين آنها شخصاً تکفل مخارج و نگاهداری آنها را مینمایند . البته مدتی است مذاکراتی درخصوص این مدارس بمیان آمده و بعضی را عقیده بر آنست که باید از وجوه عمریه یعنی مالیات بانها مساعدتی شود ولی عدّه مخالفین بیشتر است و بعقیده نگارنده نظریه دسته دوم مقرون بصحت نبوده و تصور نمیرود که مسئله مساعدت بانها صورت خارجی پیدا کند! گذشته از این ها مدارس خصوصی دیگری نیز وجود دارد که مخارج محصلین آنها بغایت زیاد و گرانست و اگر چه برای ذکور و اناث هر دو موجود میباشد ولی هیچگاه مشترک نیستند و ما بین آنها مدرسه نیست که دارای محصل پسر و دختر باشد . این مدارس معلمین خود را انتخاب و هر کتابی که مایل باشند تدریس میکنند ولی محصلین آنها در صورتیکه میزان معینه از طرف مجمع فوق الذکر را تحصیل کنند میتوانند وارد جوامع و دارالفنونها گردند .

- اضافه بر کلیه مؤسسات مزبوره جوامع و دارالفنونهای نیز وجود دارد که از جیب قوت بعضی اداره میشود و چون قدیمتر از سایر مؤسسات معارفی فوق الذکر میباشد از هر حیث بر آنها ترجیح دارد . حوالهتعلیم این مؤسسات سالی دویست الی سیصد دلار است و

البته مخارج دیگر تحصیل را نیز محصلین باید عهده دار شوند اما وسائلی ترتیب داده شده است که محصلین میتوانند يك قسمت از مخارج خود را تحصیل نمایند و گذشته از این جوایزی نیز برای آنها مقرر شده است محصلین و محصلات در غالب این مؤسسات از یکدیگر جدا هستند و اغلب موارد هم حضور در کلیسیا اجباری است .

– بطور خلاصه ترتیب مدارس عمومی از قرار است که در فوق مسطور گردید و هر گاه بدقت ملاحظه شود شاید بتوان گفت که خصائص مدارس مزبوره چهار و بدین طریق میباشد :

- ۱ – بکلی مجانی است .
- ۲ – اناث و ذکور مجتمعاً تحصیل میکنند .
- ۳ – موفقیت آنها بسته بقوه ابداع و تعاون اهالی محل است .
- ۴ – هر ایالتی قوانین و میزان تحصیلات ابناء خود را معین میکند و ارتباط و اتصال آنها مطلقاً از مجرای دولت نیست و فقط در پرتو اجتماع مؤسسات تعلیمات عالیّه در کلیه ایالات میباشد . این مجامع یکی از موسساتی است که ملت امریکا خود را بداشتن آن مفتخر و مباهی دانسته و در طرز زندگانی افراد ملت هم نفوذ و تأثیر عظیمی می بخشد .

رساله جامع علوم انسانی



ترقی و تکامل

خواهی اگر سعادت دنیا و آخرت
از هم رهان راه تکامل عقب مباش
هنکام نخم و شخم مکن هیچ کاهلی
زاندیشه های باطل خود بیشتر بگاہ
از کهنکی حذر کن و همواره باش نو
بنمای سعی نیز که باشی تو در جلو
تا شر مساریت نبود موسم درو
تا بیشتر نمر بدهی چون درخت مو
اسمعیل (ناصر المالك) - مفتش وزارت معارف